

جامعه‌پذیری سیاسی

محمد تقی ایمانی

بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

جامعه‌شناسی در کسب معرفت پیرامون جامعه، سعی در مطالعه چگونگی شکل‌گیری رفتار اجتماعی انسان از طریق جامعه‌پذیری دارد. در فرایند جامعه‌پذیری اشخصیت انسانها تکوین می‌یابد، و نقشهای اجتماعی برحسب مقتضیات مختلف در نظام اجتماعی ایفا می‌گردد. انطباق جامعه‌پذیری با آرمانها، اهداف و هنجارهای اجتماعی می‌تواند بیانگر هماهنگی نهادهای اجتماعی و کنترل اجتماعی مورد نظر نظام اجتماعی باشد. در مطالعه پیرامون انتظام اجتماعی و یا کاهش بحرانها و تشنجات سیاسی که مد نظر کلیه سیستمهای سیاسی در نظامهای اجتماعی می‌باشد، تفحص پیرامون جامعه‌پذیری سیاسی ضرورت تام می‌یابد. بهمین لحاظ این نوشتار در پی بررسی جامعه‌پذیری بصورت عام و جامعه‌پذیری سیاسی بصورت خاص می‌باشد، تا چگونگی بکارگیری ملاکهای تکوین شخصیت، تربیت، هماهنگی نهادها، کنترل اجتماعی و تثبیت و مشروعیت اقتدار حاکمیت‌های سیاسی روشنتر گردد.

1- Socialization.

2- Poletical Socialization.

مقدمه

جامعه‌شناسی، بعنوان علمی که زمان زیادی از عمر آن نمی‌گذرد و اکثراً اندیشمندان طرح آنرا رسماً به اگوست کنت^۳ (۱۸۵۷-۱۷۹۸) منتسب می‌کنند، محور بحث خود را کسب معرفت پیرامون جامعه می‌داند. جامعه عبارت است از گروهی از مردم که افراد در گذر زمان در قلمرو آن به کنش متقابل و نظم گروهی دست می‌یابند. جامعه‌شناسی تمایل دارد روابط گروهی و اجتماعی انسانها را مورد مطالعه قرار دهد. بدین ترتیب محور بحث جامعه‌شناسی بررسی کنش متقابل بین گروهها و داخل گروههای انسانی و یا بطور مشخص رفتار انسانها در زمینه اجتماعی می‌باشد. کنش‌های متقابل بین انسانها که در اصل منتج از قوانین رسمی و غیررسمی و یا هنجارهای اجتماعی می‌باشند، به نوعی روابط اجتماعی که مبین رفتارهای اجتماعی انسانهاست را تداعی می‌کنند. بهمین لحاظ رفتار اجتماعی فرد از آن جهت مسرود توجه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرد که در کنش متقابل اجتماعی^۴ به منصف ظهور می‌رسد. انسانها در زندگی اجتماعی خویش در فرایند کنش متقابل با یکدیگر بسر می‌برند و بر همین اساس چگونگی زیستن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را در جامعه می‌آموزند و به آن عمل می‌کنند، از طرفی در این فرایند رفتاری انسانها دارای نگرش و شخصیت می‌شوند. نگرش و شخصیت سیاسی افراد نیز در این راستا تکوین یافته و سازماندهی می‌گردد. این فرایند را اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری انسانها در نظام اجتماعی می‌نامند که در ابعاد سیاسی جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد.

در این مقاله سعی بر این است که بطور کلی چگونگی جامعه‌پذیری و بطور اخص جامعه‌پذیری سیاسی را مورد مطالعه قرار دهیم. ضرورت و اهمیت این بحث در این است که اگر جامعه‌پذیری انسانها بنحو مناسب و منطبق با هنجارهای اجتماعی در نظام اجتماعی صورت نگیرد، شاهد عدم یگانگی شخصیت^۵ در انسانها و نهایتاً بی‌سازمانی اجتماعی^۶ خواهیم بود که نتیجه این وضعیت را می‌توان در تنش‌های روانی بین انسانها، عدم کنترل مناسب اجتماعی، افزایش بزه‌کارها، بحرانهای سیاسی و... مشاهده نمود. از طرفی اگر نظام اجتماعی در طول حیات خویش شاهد تشنجات

3- Auguste Conte.

4- Social Interaction.

5- Personality Disintergration.

6- Social Disorganization.

مکرر سیاسی باشد، تحقق آرمانهای آن نظام که باید بدست حاکمان در طول زمان عملی گردد، خالی از اشکال نخواهد بود. بنابراین آنچه در این رابطه باید عمیقاً مد نظر قرار گیرد، چگونگی جامعه‌پذیری سیاسی و یا به عبارتی، شکل‌گیری شخصیت و یا تربیت سیاسی افراد بعنوان ضامن عدم تشنجات سیاسی در نظام اجتماعی می‌باشد.

جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری فرایندی است که در طی آن انسان با هنجار اجتماعی به همسازی^۷ می‌رسد. هنجار اجتماعی، رفتار اجتماعی معینی است مبتنی بر ارزش اجتماعی و ارزش اجتماعی در قالب اهداف اجتماعی به هر نمودی گویند که کم‌وبیش مورد اعتنای جامعه باشد.

هریک از اعضای جدید جامعه به حکم جامعه‌پذیری جهت همسازی با نظام اجتماعی و ایفای نقش موردپسند جامعه، رفتار خود را منطبق بر مقتضیات نظام اجتماعی جلوه می‌دهد. بنابراین اجتماعی شدن فراگردی است که بواسطه آن فرد دانش و مهارت لازم اجتماعی را برای مشارکت موثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می‌کند.^۸

فرد در جریان جامعه‌پذیری بواسطه تماس متقابل با دیگران، از یکطرف نقشهایی را که تعیین‌کننده رفتار اجتماعی اوست و با پایگاه اجتماعی وی در گروههای اجتماعی انطباق دارد بعهده می‌گیرد و ازطرف دیگر باعث تکوین شخصیت خویش می‌گردد بدین ترتیب شخصیت تابعی است از نقشهای مختلفی که فرد در جهت همسازی خویش با نظام اجتماعی و یا بصورت مشخص با گروههایی که بدانها می‌پیوندد می‌پذیرد و همچنین نحوه ارتباط این نقشها با یکدیگر می‌باشد.

افراد در فرایند ایفای نقش مرتباً " تحت تاثیر نحوه تعبیر خود از گرایشات و طرز تلقی دیگران قرار دارند. کولی این فرایند را در رابطه با کودکان به سه عنصر تجزیه نمود و برای آن اصطلاح مناسب " خویشان آئینه گون"^۹ را وضع نمود.^{۱۰}

7- Accommodation.

8- Btoomand and Selznick, 1968:92

9- Looking Glass Self

10- Cooley, 1907:152.

۱- پنداری که شخص از جلوه و " نمود " خود نزد سایر اشخاص دارد .
 ۲- پندار شخص از قضاوتی که سایرین درباره آن " نمود " و جلوه دارند .
 ۳- احساس شخص به خودش، از قبیل حس افتخار یا خواری .
 تصورات کلی که افراد و گروه‌های مختلف جامعه در مورد رفتاری که مقتضی فلان وضعیت است دارند، چشم‌داشتهای اجتماعی می‌باشند^{۱۱} . چشم‌داشتهای اجتماعی مشتمل بر هنجارهای گروهی، شیوه‌های قومی، رسوم اخلاقی، رفتارهای مورد پسند جامعه و غیره می‌باشند^{۱۲} . اگر چه ممکن است چشم‌داشتهای اجتماعی با خواستههای فردی همساز نبوده و باعث بروز تعارضاتی در نظام اجتماعی گردد، ولی براساس جامعه‌پذیری می‌توان بطور نسبی همسازی را افزایش داده تا تعارضات کاهش یابد .

مسئولیت و یا نمایندگی^{۱۳} جامعه‌پذیری در هر نظام اجتماعی بعهده نهادهای اجتماعی^{۱۴} می‌باشد . اصطلاح نهاد به هر اعتقاد، ارزش، مفهوم، سازمان یا پدیده‌ای اطلاق می‌شود که طی شرایط و فراگردهای تاریخی با مجموعه هدفها، کنشها و کارکردهای معین مشخص گردیده است^{۱۵} . بطور کلی نهاد را معمولاً " بخش یا نظامی از ارزشها، شیوه‌های قومی، آداب و رسوم و قوانین می‌دانند که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکردهای اساسی در یک جامعه است و یا به عبارتی نهاد عبارت است از نظام سازمان‌یافته‌ای از روابط اجتماعی که دربرگیرنده برخی از ارزشها و فرایندهای مشترک است و برای پاسخگویی به برخی از نیازهای اساسی جامعه بوجود آمده است . دراین تعریف ارزشهای مشترک، با اشتراک در اندیشه و هدفها در رابطه است ، فرایندهای مشترک، الگوی رفتاری استاندارد شده هستند که گروه آنها را تعقیب می‌کند و نظام روابط عبارت است از شبکه نقشها و پایگاههایی که از طریق آنها رفتار صورت می‌گیرد^{۱۶} .

براساس تعاریفی که از نهادهای اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری بعمل آمده، درمی‌یابیم که آنچه در فرایند جامعه‌پذیری دنبال می‌شود همسازی فرد با هنجارها

11- Social Expectations

(۱۲) روسک و وارن، ۱۳۵۵؛ ۴۳ .

13- Agency.

14- Social Institutions.

15- Nelson and Besay, 1970:28

(۱۶) محسنی، ۱۳۶۶؛ ۱۳۶۶؛ ۲-۲۸۱ .

و یا روابط اجتماعی است که اساس نهادهای اجتماعی بشمار می‌آیند. بنابراین افراد در قالب نهادهای اجتماعی فرایند جامعه‌پذیری خود را دنبال می‌نمایند. برای این اساس نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، آموزش و پرورش، مذهب، حکومت، اقتصاد، تفریحات و ... - که به‌نحوی نیازهای اصلی، همیشگی، پایدار و همچنین نیازهای فرعی انسانها را در طول زمان رفع می‌نمایند - موجب رفتارهای نهادی نیز در انسانها می‌شوند. منظور از رفتارهای نهادی واردنمودن هنجارها و ارزشهای اجتماعی در رفتارهای انسانها می‌باشد که آنرا اصطلاحاً "نهادی‌گردانیدن"^{۱۷} نیز می‌نامند. نهادگردانیدن فرایندی است که انسان را از آغاز زندگی در برمی‌گیرد و نیروهای او را در مسیرهای مجاز و مختار جامعه سمت داده و هنجارهای اجتماعی را متحقق می‌سازد که این درحقیقت همان فرایند جامعه‌پذیری انسانها در نظام اجتماعی می‌باشد.^{۱۸}

جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی انسانها در واقع زیرمجموعه یا شاخه‌ای از جامعه‌پذیری آنها در نظام اجتماعی می‌باشد. در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، افراد با سیستم سیاسی در نظام اجتماعی آشنا می‌شوند و عکس‌العمل خویش را در مقابل پدیده‌های سیاسی تعیین می‌کنند.^{۱۹}

جامعه‌پذیری سیاسی اتصال سیستم سیاسی و اجتماعی را بعهدده دارد کسه چگونگی ابفای آن در جوامع مختلف متفاوت است. از نظر سیاسی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی بدین لحاظ اهمیت دارد که افراد در درجات متفاوتی نسبت به سیستم سیاسی و مشارکت در آن مقید می‌گردند. تقید و مشارکت مردم در سیستم سیاسی حاکم می‌تواند ضامن بقای آن گردد. بنابراین سیستم سیاسی حاکم در نظام اجتماعی باید در جهت حفظ و بقای خویش افراد را منطبق بر هنجارهایی که آن سیستم سیاسی تبلیغ می‌کند، جامعه‌پذیر نماید. جهت روشن‌شدن جامعه‌پذیری سیاسی لازم است با مفهوم سیاست^{۲۰} نیز آشنا شده، تا دریابیم که سیستم سیاسی در هر نظام اجتماعی بدنبال چه چیزی می‌باشد؟

17- Institutionalization.

(۱۸) آریانپور، ۱۳۵۷؛ ۵ - ۳۳۴.

19- Rush and Althoff, 1971:13

20- Politics.

علم سیاست در نظرگاه گارنر با دولت آغاز می‌شود و با آن نیز تمام می‌شود.^{۲۱} کریک اعتقاد دارد که موضوع سیاست، دولت است و در حقیقت مجموعه‌فعالیت‌هایی است که در جهت انتظام در نظام اجتماعی صورت می‌گیرد.^{۲۲}

ماکس وبر در مقاله "سیاست بمثابة یک حرفه" معتقد است که سیاست بمعنای کوشش در کسب قدرت یا کوشش برای نفوذ در تحصیل قدرت در میان دولت‌ها یا در میان گروه‌ها در یک دولت است. و دولت را نیز گروه‌بندی سیاسی جدیدی می‌داند که بکارگیری زور را در سرزمین معینی حق قانونی خود می‌داند.^{۲۳}

لاسل که بصورت مشخص درباره ماهیت سیاست اظهارنظر می‌نماید، اعتقاد دارد که سیاست علمی است که به ما می‌آموزد چه کسی می‌برد، چرا می‌برد، چه موقع می‌برد و چگونه می‌برد.^{۲۴}

براساس تعاریف سیاست در نظرگاه اندیشمندان مختلف درمی‌یابیم که سیاست به نوعی با اعمال قدرت توأم است، یا به عبارتی سیاست عمل یا رفتاری است که انسان‌ها تمایل دارند براساس آن اراده خویش را علی‌رغم مقاومت دیگران به آنها تحمیل نمایند. بصورت کلی می‌توان بیان نمود که سیاست رابطه ویژه‌ای است از یکسو میان افراد و از سوی دیگر میان افراد و گروه‌ها که صرف‌نظر از هدف نهایی آن، در آن، درجه‌ای از عناصر قدرت، زور یا سلطه با اهداف غیرشخصی و بنام جامعه حاکم باشد.^{۲۵}

در اکثر مواقع که درباره سیاست بحث می‌شود مفهوم دولت تداعی می‌گردد. این امر بدان علت است که، دولت و یا به عبارت مشخص‌تر سیستم سیاسی حاکم بدنیال تحمیل اراده خویش بر افراد در نظام اجتماعی می‌باشد. اراده دولت در قالب دستورالعمل‌ها یا قوانین اجتماعی که برای حفظ، بقاء و یا استمرار نظام اجتماعی منطبق با آرمان‌های خویش وضع می‌نماید، در جامعه جاری می‌گردد. دولت تمایل دارد که افراد در نظام اجتماعی براساس این مقررات و یا هنجارها جامعه پذیر گردند، یا به عبارتی گرایش‌ها و ارزش‌های سیاسی مدنظر حاکمیت در افراد نهادی گردد، چون همانگونه که آلموند نیز معتقد است، گرایش‌ها و ارزش‌های سیاسی

21- Garner, 1932: 9. 22- Crick, 1966: 683.

23- Weber, 1948: 78. 24- Lasswell, 1958.

در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی در افراد نهادی می‌گردد و بر اساس آن به ایفای نقش می‌پردازند.^{۲۶}

بر اساس چگونگی رابطه بین جامعه‌پذیری و نهادهای اجتماعی که مورد بحث قرار گرفت، مقررات و قوانین سیستم سیاسی حاکم بصورت سازمان یافته در قالب نهادهای اجتماعی در نظام اجتماعی جاری می‌گردد. بنابراین نظام سیاسی حاکم جهت نهادی شدن مقررات، گرایش‌ها و ارزشهای مدنظر خویش در جامعه باید نهادهای اجتماعی، بخصوص نهادهای نخستین^{۲۷} را بگونه‌ای سازمان‌بندی نماید که اهداف آن نظام سیاسی را متحقق سازند. چون نهادهای اجتماعی از یکطرف مسئولیت تکوین شخصیت افراد در نظام اجتماعی را بعهده دارند و از طرف دیگر کنترل اجتماعی در هر نظام اجتماعی بعهده نهادهای اجتماعی می‌باشد.

بنابراین شرط اساسی در اعمال اراده و تثبیت اقتدار حاکمیت سیاسی در هر نظام اجتماعی جامعه‌پذیری سیاسی افراد در راستای مقررات و ارزشهای مدنظر آن حاکمیت سیاسی می‌باشد. تحقق این امر نیازمند سازمان‌بندی نهادهای اجتماعی بر اساس مقررات و ارزشهای حاکم و وجود هماهنگی بین نهادهای اجتماعی می‌باشد، تا شکل‌گیری شخصیت و یا تربیت سیاسی افراد و کنترل اجتماعی بنا به خواست آن حاکمیت صورت پذیرد.

نظام سیاسی حاکم باید متوجه باشد که علاوه بر نارسائی در سازمان‌بندی نهادهای اجتماعی و یا عدم هماهنگی نهادها که معمولاً در تحولات و بحرانهای اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی بروز می‌کند، افراد یا گروههایی نیز در نظام اجتماعی سعی دارند در جهت کسب قدرت حاکم و یا نفوذ در آن در قالب نهادهای اجتماعی با آن به مقابله بپردازند. عملکرد یا رفتار سیاسی اینها نیز می‌تواند در اعمال اراده، تثبیت و یا مشروعیت اقتدار حاکم در جامعه اختلال ایجاد کند، چون بهر صورت افراد در نظام اجتماعی بر اساس مکانیزم سه‌گانه تقلید^{۲۸}، تعلیم^{۲۹} و یا تحریک^{۳۰} در جهت نظام سیاسی حاکم یا برعکس آن در قالب نهادهای اجتماعی

26- Almond and others, 1966: 24. 27- Primary Institutions.

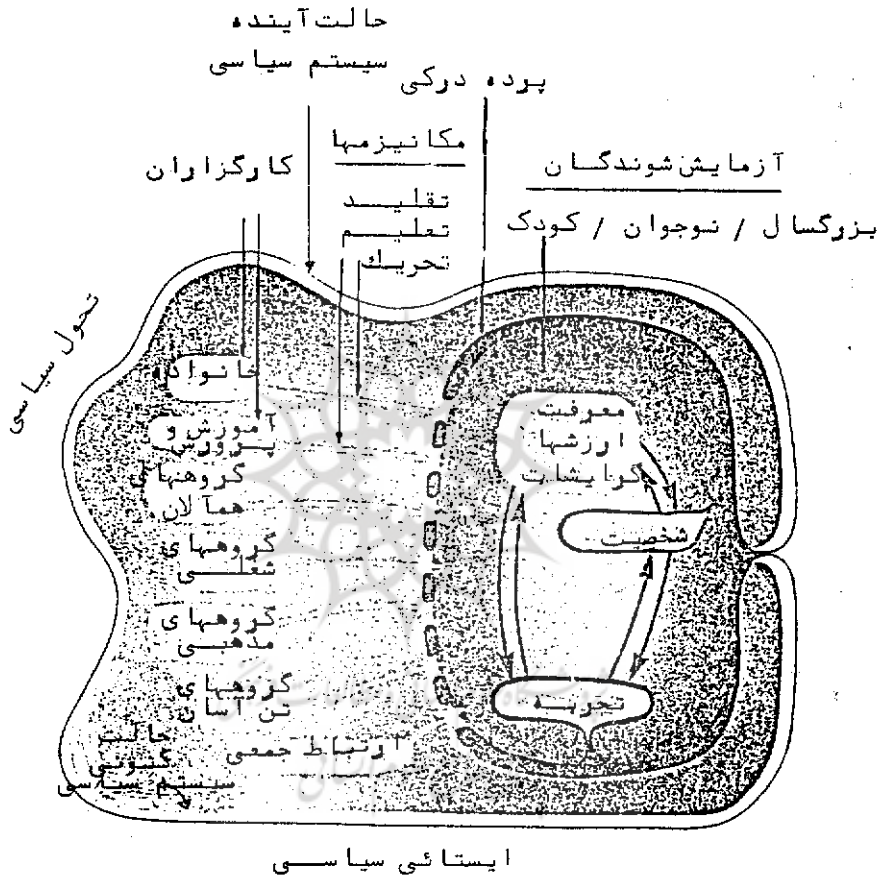
۲۷) نهادهای نخستین: نهادهایی می‌باشند که برای رفع نیازهای حیاتی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارند، مانند نهادهای خانواده، مذهب، اقتصاد و حکومت.

28- Imitation.

30 - Instruction.

29- Motivation.

جامعه‌پذیر می‌گردند و این ابزار نیز می‌تواند محل استفاده گروهها و یا افراد رقیب حاکمان سیاسی قرار گیرد. ربرتلوین براساس این سهمکانیزم، چگونگی جامعه‌پذیری سیاسی افراد در نظام اجتماعی را در قالب مدل زیر ترسیم نموده است.^{۳۱}



مدل جامعه‌پذیری سیاسی

بنابراین افراد و گروههای سیاسی نیز در قالب شخصیت‌های متفاوت که محصول جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشند، در مرحله‌ای می‌توانند در این فرایند نقش موثر ایفا

31- Levin, 1963: 22.

نمایند. بطور مثال در این رابطه می‌توان به چگونگی تاثیر رفتارهای سیاسی — شخصیت‌های محافظه‌کار، لیبرال، رادیکال و... در نظام‌های اجتماعی مختلف اشاره نمود. در جهت آشنائی با شخصیت‌های متفاوت سیاسی لازم است، نظر تعدادی از اندیشمندان را مرور نمائیم.

فروم از شخصیت ماشینی شده^{۳۲} بعنوان شخصی که احساس فردی خود را از طریق انطباق با ارزشهای جمعی از دست می‌دهد، صحبت می‌کند^{۳۳}.

لاسول از شخصیت‌های آشوبگر سیاسی^{۳۴}، بعنوان کسی که در مواردی از برخورد‌های شخصی مهارت داشته و محرک احساسات سیاسی است، مدیر سیاسی^{۳۵}، بعنوان کسی که در زیر نفوذ قراردادان سازمانها و موقعیتها مهارت دارد، تئوریسین سیاسی^{۳۶}، بعنوان کسی که در تحت نفوذ قراردادان عقاید عامه تبخیر دارد و بوروکرات، بعنوان فردی که بیش از حد بر قوانین و سازمان تاکید دارد، نام می‌برد^{۳۷}.

اندیشمند دیگری که بصورت مشخص پیرامون شخصیت سیاسی به بحث می‌پردازد، آدرنو می‌باشد. او در کتاب شخصیت اقتدارگرا به بحث پیرامون شخصیت‌های سیاسی می‌پردازد که تعدادی از شخصیت‌های مدنظر او بشرح ذیل می‌باشند^{۳۸}:

- ۱- شخصیت‌هایی که گرایش غالب در آنها بسوی انقیادپذیری است.
- ۲- شخصیت‌هایی که گرایش غالب در آنها بسوی برتری‌طلبی است.
- ۳- شخصیت‌هایی که حساس به روابط قدرت می‌باشند.
- ۴- شخصیت‌هایی که تمایل به درک جهان در ساخت سنتی آن دارند.
- ۵- شخصیت‌هایی که تمایل به تصورات کلیشه‌ای^{۴۰} دارند.
- ۶- شخصیت‌هایی که تمایل به خرافات دارند.
- ۷- شخصیت‌هایی که دید بدبینانه نسبت به طبیعت انسان دارند.

قابل ذکر است که اکثر شخصیت‌های سیاسی در نظرگاه اندیشمندان بیشتر در دیدگاه نظری مطرح‌اند تا تجربی و تحقیقی.

- | | |
|---------------------------|------------------------------|
| 32- Automation. | 33- Fromm, 1941: 153. |
| 34- Political Agitator. | 35- Political Administrator. |
| 36- Political Theorist. | 37- Lasswell, 1948. |
| 38- Adorno, 1950: 242-62. | 39- Subordinate. |
| 40- Stereotype. | |

بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی که رفتار سیاسی را به ارمغان می‌آورد، حول محور شخصیت، تجربیات و گرایشات و ارزشها و معرفت فردی که کلاً "تحت الشعاع نهادهای اجتماعی می‌باشند، دور می‌زند. این گردش در مدل لوین بخوبی مشاهده می‌گردد.

گسترش جامعه‌پذیری سیاسی

جهت آشنائی با چگونگی گسترش جامعه‌پذیری سیاسی و عوامل موثر در آن لازم است تحقیقات انجام شده را مرور نمایم.

استوان و همکاران در مطالعاتی پیرامون درک سیاسی کودکان به این نتیجه رسیده‌اند که، گرایشات سیاسی بر حسب افزایش سن زیادتر می‌شود و مرتباً "با زمینه‌های متفاوتی که افراد در آنها قرار دارند، منطبق می‌گردند"^{۴۱}، آنها همچنین ادعا می‌کنند که، یادگیری از ۳ سالگی شروع می‌شود و تا ۷ سالگی تکمیل می‌گردد. یادگیری سیاسی در این سنین بیشتر تابع محیط می‌باشد. در سن ۸ تا ۱۵ سالگی آگاهی انسان بیشتر در قالب مفاهیم مجرد قرار می‌گیرد^{۴۲}.

استوان و هس براساس تحقیقاتی که انجام داده‌اند، ادعا دارند که، کودکان آمریکائی در سن ۷ یا ۸ سالگی خودشان را بلحاظ ذهنی دریکی از دو حزب بزرگ کشور می‌یابند^{۴۳}.

استوان و جک طی تحقیقاتی مراحل گسترش جامعه‌پذیری سیاسی در کودکان را بشرح ذیل بیان می‌دارند^{۴۴}

- ۱- تشخیص اقتدار از طریق اشخاص خاص مانند، والدین کودک، رئیس جمهور و پلیس.
- ۲- تمایز بین اقتدار خارجی و داخلی مانند، تمایز بین اقتدار شخصی و عمومی.
- ۳- تشخیص نهادهای غیرشخصی سیاسی مانند، کنگره، انتخابات و دیوان عالی.
- ۴- تمایز بین نهادهای سیاسی و اشخاصی که درگیر فعالیت‌های مربوط به نهادها بوده و سعی دارند که تصورات ایده‌آلی از اشخاص خاصی مانند رئیس‌جمهور یا یک نماینده بدست دهند.

41- Estvan and others, 1959: 3-8.

42- Ibid: 24.

43- Easton and Hess, 1962.

44- Easton and Jack, 1969.

از نظر استوان و دنیس گسترش جامعه‌پذیری سیاسی در رابطه با ضریب هوشی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی افراد می‌باشد. همچنین این اندیشمندان معتقدند که خانواده یکی از مهمترین کارگزاران در جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد^{۴۵}. لان معتقد است که خانواده‌به‌عنوان یکی از نهادهای نخستین می‌تواند به‌سه طریق ذیل عقاید سیاسی فرزند را تحت‌الشعاع خویش قرار داده و باعث گسترش آن شود^{۴۶}:

- ۱- از طریق اعمال اصولی که خانواده دنبال می‌کند.
- ۲- از طریق تعیین جایگاه کودک در زمینه اجتماعی خاص.
- ۳- از طریق قالب‌سازی شخصیت کودک.

یکی از متغیرهای مهم دیگری که در تبیین رفتار سیاسی افراد مدنظر قرار می‌گیرد و نقش مهمی در گسترش جامعه‌پذیری سیاسی افراد ایفاء می‌کند، آموزش و پرورش می‌باشد. از نظر «ماکس وبر» آموزش و پرورش در هر نظام اجتماعی روابط متقابلی با کنشهای سیاسی اقتصادی و نظام قشربندی اجتماعی دارد^{۴۷}. تحقیقی که توسط زیبلات صورت گرفته است نیز دلالت بر این امر دارد که رابطه مستقیمی بین میزان گرایش بطرف سیاست و میزان فعالیتهای تحصیلی وجود دارد^{۴۸}.

عامل مهم دیگری که در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی یا القاء نگرشهای سیاسی نقش مهمی ایفاء می‌کند، مذهب می‌باشد. آپتر معتقد است که، در کشورهای در حال توسعه، در بسیاری از موارد خاص تغییر در خط مشی و یا نگرشهای سیاسی نیازمند تغییر در مذهب می‌باشد^{۴۹}. بنابراین در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی نهادهای نخستین از قبیل، خانواده، آموزش و پرورش و مذهب نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌نمایند و سهم زیادی در تعیین شکل‌گیری شخصیت، گرایش و رفتار سیاسی افراد در نظام را بخود اختصاص می‌دهند. این امر گویای نقش پراهمیت این نهادها در کنترل اجتماعی و تثبیت اقتدار حاکمیت سیاسی نیز می‌باشد.

45- Ealton and Dennis, 1967: 25.

46- Lanc, 1959: 502-110.

47- Gerth and Mills, 1946.

48- Ziblatt, 1965: 20-31.

49- Appter. 1967: 104.

خلاصه و نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی بعنوان علمی که پیرامون جامعه به‌کسب معرفت می‌پردازد، سعی دارد، رفتار انسان را در زمینه اجتماعی مورد مطالعه قرار دهد. در این راستا رفتار اجتماعی افراد که در ارتباط متقابل با یکدیگر بروز می‌کند، محور بحث جامعه‌شناسی می‌باشد.

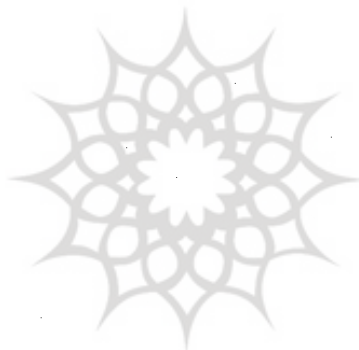
رفتار اجتماعی افراد که در یک فرایند و بر مبنای روابط اجتماعی و در قالب نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد را اصطلاحاً "جامعه‌پذیری" می‌گویند. در فرایند جامعه‌پذیری چگونگی تکوین شخصیت و ایفای نقش انسانها براساس مقتضیات متفاوت در نظامهای اجتماعی مختلف تعیین می‌گردد.

نهادهای اجتماعی در ارتباط هماهنگ و سازمان یافته با یکدیگر می‌توانند جامعه‌پذیری افراد و کنترل اجتماعی متناسب با نظام اجتماعی را تضمین نمایند.

جامعه‌پذیری سیاسی نیز فرایندی است که در طی آن شخصیت، تربیت و رفتار سیاسی انسانها شکل می‌گیرد. از آنجا که هسته اصلی سیاست قدرت می‌باشد، در سطح فردی شاهد تحمیل اراده افراد بر یکدیگر علی‌رغم مقاومتی که وجود دارد، هستیم و در سطح نظام اجتماعی نیز حاکمیت سیاسی سعی دارد مبتنی بر جزیان جامعه‌پذیری سیاسی مقررات، ارزشها و گرایشات سیاسی دلخواه خویش را در افراد و گروههای اجتماعی نهادی کند، تا از تشنجات و بحرانهای سیاسی که بنوعی انتظام اجتماعی را دستخوش تغییر نموده و مانع تحقق اهداف سیستم سیاسی در جامعه می‌شوند، جلوگیری نماید. البته آنچه که در این راستا اهمیت دارد، میزان سعی و تلاش حاکمیت‌های سیاسی در هر نظام اجتماعی در رابطه با سازمان‌بندی و هماهنگی نهادهای اجتماعی براساس مقررات و هنجارهای موردنظر خویش می‌باشد. بنابراین جامعه‌پذیری سیاسی گویای این مطلب می‌باشد که اگر حاکمیت‌های

سیاسی بتوانند در یک فرایند و بر مبنای نهادهای اجتماعی، رفتارهای سیاسی افراد در نظام اجتماعی را در مسیری متناسب با آرمانهای خویش سوق دهند، امکان دوری جستن از تشنجات و بحرانهای سیاسی و بالطبع مشروعیت اقتدار برای آنها محفوظ می‌ماند. بر این اساس می‌توان جامعه‌پذیری سیاسی را بعنوان شاخص مهم و اساسی در سنجش درجه تثبیت اقتدار سیاسی حاکمیت و نهایتاً "تحولات سیاسی در نظر گرفت. از طرف دیگر حاکمیت‌های سیاسی باید سعی نمایند، در جهت اعمال

تغییرات متفاوتی که برای نظام اجتماعی لازم می‌دانند، برحسب مقتضیات نظام اجتماعی، زمینه این تغییرات را در نهادهای اجتماعی فراهم نمایند تا جامعه‌پذیری سیاسی افراد برحسب این تغییرات تسریع گردیده و باعث تشنجات سیاسی نگردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

- آریانیور، ۱۰ ج. ۱۳۵۷
زمینه جامعه‌شناسی، تهران، سهامی انتشار.
- رجائی، فرهنگ. ۱۳۶۸
سیاست چیست و چگونه تعریف می‌شود. مجله سیاست خارجی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال سوم، شماره ۲.
- روسک، جوزف و رولندوارن ۱۳۵۵
مقدمای بر جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کربیی تهران، انتشارات کتابخانه فروردین.
- محسنی، منوچهر ۱۳۶۶
مقدمات جامعه‌شناسی، تهران، چاپخانه باستان، چاپ دوم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Adorno, T.W.
1950 The authoritarian personality
New York, pp. 242-62.
- Almond, A.A. and others
1966 Comparative politics: A developmental
approach, Boston, p. 24.
- Apter, D.E.
1967 "Political religion in new nations", In
Greetz(ed), Old societies and new status, p. 104.
- Broom, L. and Selznick, P.
1968 Sociology, 5th Edition, Horper and Row, p. 92.
- Cooley, C.H.
1902 Human nature and the social order, New York,
scribner, p. 152.
- Crick, Bernard.
1966 "The tendency of political studies",
New Society, p. 683.
- Easton, D. and Hess, R.D.
1962 "The child's political world", Midwest Journal
of Political Science, Vol., 6.
- Easton, D. and Dennis, D.
1967 "The child's acquisition of regime norms: political
efficacy," American political review, Vol., 61,
p. 25.
- Easton, D. and Jack, D.
1969 Children in the political system: origins of
political legitimacy, New York, part 3.
- Estvan and others
1959 The child world, New York, pp. 3-8.
- Fromm, Erick
1941 Escape from freedom, New York, p. 153.
- Garner, J.W.
1932 Political science and government, New York:
American Book, p. 90.

- Gerth, H. and Mills, C.W.
 1949 From Max weber: Essay in sociology, New York,
 Oxford University Press.
- Lane, Robert, E.
 1959 "Father and Sons: the foundation of political
 belief", American sociological review, Vol,
 24, pp. 502-11.
- Lasswell, Harold, D.
 1948 Power and personality, New York, ch, 4.
-
- 1958 Politics: Who gets what, when and how,
 New York: Meridian Books.
- Levin, Robert.
 1963 "Political socialization and cultural change",
 In Chfford Geeriz(ed.), Old societies and new
 stutes, New York, pp. 280-303.
- Nelson, J.L. and Besay, F.P.
 1970 Sociological perspectives in education,
 Pitman, p. 28.
- Rush, Micheal and Athoff, P.
 1971 An introduction to political sociology, Fletch
 and Sonltd, p. 13.
- Weber, Max.
 1948 "Politics as a vocation", Sociology, London, p
- Ziblatt, D.
 1965 "High school extra-curricular activities and
 political socialization, "Annals, Vol, 361,
 pp. 20-31.